

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

ویژه‌نامهٔ تحلیلی «ققنوس توسعهٔ چین» در ۳۴۶ صفحه منتشر شد، در این مجلد می‌خواهیم ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اندیشه‌ای چین جدید را معرفی کنیم؛ برای تهیه این مجلد به سایت «پاتوق کتاب» مراجعه کنید

چین و راه چین

ادامه از صفحه یک

پکن راه چندی تا رسیدن به هدف نهایی خود یعنی تبدیل‌شدن به مرکز اقتصاد جهان ندارد. در سویی دیگر مشخص نیست مزاحمت‌های آمریکا چقدر می‌تواند در این روند اختلال ایجاد کند؛ اما محرز است که دیگر جهان به ابتدای سال‌های ۲۰۰۰ و هژمونی مسلط و یک‌جانبه آمریکاتن در نخواهد داد.

در میانه این تحولات، حال سؤال این است که ایران چگونه می‌تواند از ظرفیت چین برای توسعه خود بهره‌برداری کند؟

بررسی وضعیت فعلی روابط ایران و چین نشان می‌دهد از منظر تجارت خارجی، روابط تجاری دو کشور طی سه دهه گذشته دگرگونی چشمگیری را تجربه کرده است، به‌طوری‌که حجم تبادل غیرنفتی دو کشور از حدود ۳۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۴ به ۸/۳۴ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ رسیده است. این افزایش بیش از ۱۱۳ برابری، موجب شد سهم چین از سبد صادراتی ایران به بیش از ۲۵ درصد برسد. البته ارقام بالا فقط در حوزه تجارت غیرنفتی بود. در حوزه صادرات نفت نیز، پس از تحریم‌های آمریکا و غرب علیه ایران، سهم نفت ایران از بازار نفت چین از حدود ۵ درصد به حدود ۱۱ درصد افزایش یافته است.

در کنار تجارت، چین ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای انتقال فناوری، کمک به تسریع پروژه‌های نیروگاهی در حوزه تجدیدپذیرها، خودروهای برقی، مترو و قطار، ارائه فاینانس برای پروژه‌های زیرساختی و درنهایت تعدیل فشار تحریم‌ها برای ایران دارد. از منظر سیاسی و دیپلماتیک، ارائه پشتیبانی دیپلماتیک از سوی چین در نهادهای بین‌المللی (مانند مخالفت با تحریم‌های جدید در شورای امنیت و مخالفت با زیاده‌خواهی غرب و آمریکا در موضوع اسنپ‌بک و...) با هدف ایجاد ثبات و تضمین همکاری‌های اقتصادی – سیاسی بین دو کشور نیز مهم و ضروری است. اما در سمت دیگر نیز، ایران با شرایط و پتانسیل هایش، با استقلال سیاسی و موقعیت

پروفسور فان هونگدا

استاد موسسه مطالعات خاورمیانه
دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای



ایران برای چین صرفاً ابزاری در موازنه قدرت جهانی نیست، بلکه «شریکی راهبردی» محسوب می‌شود. نقش ایران در روابط با چین فراتر از تأمین انرژی بوده و شامل همکاری‌های زیرساختی و مسیرهای لجستیکی نیز می‌شود. همچنین واردات نفت از ایران و روسیه برای چین، علاوه بر منافع اقتصادی، دارای ابعاد ژئوپلیتیکی مهمی است. مهم‌ترین موضوعی که برای تعمیق رابطه کشورها با چین باید در نظر گرفته شود، این است که سیاست چین مبتنی بر واقع‌گرایی بوده‌بر این اساس، الگوی کلی پکن در بحران‌های منطقه‌ای، میانجی‌گری گزینشی است (مانند آشتی ایران و عربستان) و از درگیری در بحران‌های پیچیده‌تری که منافع کلانش را به خطر می‌اندازد، پرهیز می‌کند.

مجید رضاحریری

فعال اقتصادی و رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین



بسیاری از انگاره‌ها در مورد روابط ایران و چین قدیمی و فاقد اعتبار است و تاریخ مصرف برخی از آن‌ها گذشته است. امروز ایران و چین شناخت خوبی از همدیگر دارند. سطح همکاری‌ها نسبتاً بالاست. بخشی از برنامه همکاری راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین در حال اجراست. روابط ایران و چین از زمان انقلاب اسلامی با سفر مقامات عالی رتبه دو کشور، پوندی استراتژیک و بلندمدت داشته است. این رابطه مبتنی بر مکمل بودن اقتصاد دو کشور است؛ ایران تأمین‌کننده انرژی و مواد خام و چین مصرف‌کننده عمده و تأمین‌کننده کالا و فناوری؛ اما متأسفانه بلاکچینی در رویکردهای کلان اقتصاد ایران موجب شده روابط ایران و چین در برخی بخش‌ها تعمیق نشود.

اصغرابراهیمی اصل

معاون اسبق وزیر نفت و کارشناس ارشد در حوزه نفت و گاز



ایران باید همواره در رابطه با چین مسئول و فرمانده واحدی داشته باشد. نباید مسئولیت کار با چین در دولت بین وزیر اقتصاد، معاون اقتصادی وزارت خارجه و چند نهاد مختلف دولتی تقسیم شود. عدم پایدندی به تصمیم‌گیری و اجرای هماهنگ باعث می‌شود چینی‌ها ندانند که با چه کسی در ایران طرف حسابند و طبیعتاً وارد رابطه راهبردی بلندمدت با ما نمی‌شوند. ایران می‌تواند برای ایجاد چشم‌انداز بلندمدت و قابل اتکا، با چین همکاری استراتژیک داشته باشد و فراتر از فروش نفت و تولیدات معدنی و پتروشیمی و واردات کالاهای واسطه‌ای و مصرفی، همکاری‌های گسترده در حوزه‌هایی مانند حل نازاری انرژی، ارتباطات، تجارت، تولید و ترانزیت داشته باشد.

مهدی فرازی

رئیس اداره اول آسیا و اقیانوسیه (چین و مغولستان) دروزارت امور خارجه



در سال‌های گذشته، گرچه سیاست خارجی ایران تا حدودی تحت تأثیر تحولات داخلی، افکار عمومی و تغییر دولت‌ها بوده، اما روابط ایران و چین به بلوغی رسیده که فارغ از تغییر دولت‌ها، تداوم‌یافته و هر دولتی که روی کار آمده، بر اهمیت و اولویت این روابط تأکید کرده است. برای کسانی که از نزدیک روابط ایران و چین را دنبال می‌کنند، تقویت ارتباطات سیاسی و تجاری دو کشور کاملاً مشهود است؛ چراکه در حال حاضر چین بزرگ‌ترین شریک تجارت ایران محسوب می‌شود و حجم تجارت مستقیم دو کشور در مجموع بیش از ۵۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

احسان خاندوزی

وزیر اقتصاد ایران در دولت سیزدهم



ایران و چین ظرفیت ایجاد رابطه راهبردی را دارند. این رابطه بر اساس منابع ژئوپلیتیک و اقتصادی متقابل استوار است. ایران می‌تواند امنیت انرژی، منابعی جایگزین حمل‌ونقل (کمربند و راه) و ثبات منطقه‌ای برای چین فراهم کند و در مقابل از ظرفیت چین برای رشد اقتصادی استفاده نماید. چالش اصلی در تعمیق روابط، نبود برنامه صنعتی جامع و ساختار اجرایی منسجم در ایران و تدبذب در سیگنال‌دهی راهبردی به چین در دوره‌های مختلف است. تعریف پروژه‌های مشترک کلان (مانند سرمایه‌گذاری در نفت، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انرژی تجدیدپذیر و زنجیره تأمین) و ایجاد سازوکار پرداخت رسمی دوجانبه، می‌تواند همکاری‌ها را از سطح تجارت کالا، به انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری ارتقا دهد.

دکتر داود منظور

اقتصاددان و رئیس سازمان بودجه در دولت سیزدهم



چین در حال تثبیت جایگاه خود به‌عنوان بازیگر شماره یک اقتصادی جهان است و ایران از نظر ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و منابع طبیعی، موقعیتی منحصر به‌فرد دارد که می‌تواند در نقشه راهبردی چین نقش آفرینی کند؛ اما این موقعیت فقط زمانی به اهرم واقعی تبدیل می‌شود که در قالب پروژه‌های مشخص، تعهدات بلندمدت و ساختارهای نهادی مشترک تعریف شود. روابط ایران و چین هم ظرفیت‌های راهبردی قابل‌توجهی پیش‌رو دارد و هم چالش‌هایی که در صورت بی‌توجهی، می‌تواند این ظرفیت‌ها را بلااستفاده بگذارد. ایران حلقه مهمی در پروژه‌های جهانی چین بوده و نیز چین در حوزه‌هایی مانند سرمایه‌گذاری زیرساختی، فناوری صنعتی، انرژی‌های نو و بازار صادراتی، می‌تواند شریک کلیدی ایران باشد.

احمد صالحی

پژوهشگر اقتصاد بین‌الملل



در روابط با چین ما باید به مدل دوره آقاسی علّی لاریجانی برگردیم که ۱۵ کارگروه برای تعامل با چین تشکیل شده بود. در واقع اولین گام، ایجاد یک ساختار قوی برای پیش‌بردن پرونده تعامل با چین است. مهم‌ترین پروژه‌ای که باید در ایران پیگیری شود، ایجاد ساختار پرداخت رسمی بین ایران و چین است. ما باید رابطه تجاری خودمان با چین و روسیه را سه‌جانبه کنیم. این موضوع نیازمند آن است که ما بتوانیم مازاد تجاری در چین را در یک رابطه سه‌جانبه تعریف کرده و با اراده سه دولت، با کسری تجاری در روسیه مبادله کنیم.

زهراکریمی

استاد دانشگاه مازندران و پژوهشگر اقتصاد چین



واکوی شرایط چین قبل و بعد از اصلاحات اقتصادی، علل و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رخن چین به سمت اصلاحات اقتصادی، موانع پیش روی اصلاحات و دلایل موفقیت اصلاحات درس‌های مهمی برای ایران امروز دارد. فقر عمومی، یارانه‌ها، تجارت، همسایگان، قیمت‌ها، کشاورزی، صنعت، مناطق آزاد، شهروندان مقیم خارج و ده‌ها موضوع دیگر، چالش‌هایی هستند که چین طی دو یا سه دهه اخیر توانسته از دل آن بحران‌ها، فرصت‌های جدیدی خلق کرده و کشور را به «کارگاه جهانی تولید» تبدیل کند. نقش دولت در موفقیت اصلاحات چین بسیار برجسته است و درس‌هایی مهمی برای ما دارد.

ویژه‌نامهٔ تحلیلی «ققنوس توسعهٔ چین» در ۳۴۶ صفحه منتشر شد، در این مجلد می‌خواهیم ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اندیشه‌ای چین جدید را معرفی کنیم؛ برای تهیه این مجلد به سایت «پاتوق کتاب» مراجعه کنید

چین و راه چین

راهبرد سیاست خارجی ایران در موضوع چین پرداخته‌و به این سؤال نیز پاسخ می‌دهد که جهت‌کلی سیاست‌های کشورمان در تعامل با چین باید چگونه‌باشد که اولاً دچار نوسان و فرازوفروذ زیادی نشود و ثانیاً بتواند انتفاع دو کشور را حداکثرسازی کند. بر همین مبنا و با توضیحاتی که داده شد، در این ویژه‌نامه برای بنیان‌گذاری بسترهایی جهت شناختی واقع‌بینانه‌تر و دیدن «چین از نمای نزدیک»، دو اقدام صورت گرفت. اولی گزینش سر فصل‌های محتوایی و دومی انتخاب کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه چین بود.

۱- گزینش سر فصل‌های محتوایی: نخستین قدم، گزینش موضوعاتی بود که در این ویژه‌نامه به آن‌ها پرداخته‌شود. از آنجایی که دستیابی به شناختی جامع از چین به دلیل پیچیدگی‌های ذاتی آن، مستلزم ارائه اطلاعاتی گسترده، چندبعدی و یک مجموعه کامل از مباحث گوناگون بوده؛ امری که بی‌تردید تحقق آن مستلزم تدوین ده‌ها جلد کتاب، رساله پژوهشی و صدها مقاله است، در این ویژه‌نامه سعی شد تا حد امکان، تصویری واقعی‌تر و ملموس از چین ارائه شود؛ چراکه دستیابی به شناختی تام و تمام، دور از ذهن می‌نماید.

بر این مبنا، محتوای ویژه‌نامه در قالب ۱۶ فصل سازمان‌دهی شد. بخش نخست به معرفی ابعاد مختلف چین اختصاص یافته و مشتمل بر این موارد است: حکمرانی سیاسی (مروری بر گفتمان سیاسی، احزاب و معماران چین نوین)، حکمرانی اقتصادی (از غروب مانو و طلوع اصلاحات اقتصادی در چین تا بازسازی نظام یارانه‌ها و چگونگی رهایی ۸۰۰ میلیون نفر از فقر)، تاریخ فلسفه و اندیشه در چین، تجارب زیسته از زندگی جمعی در چین، گفتمان و واقعیت‌های سیاست خارجی چین، ساختار فرهنگی و معماری تمدنی چین، جایگاه چین در نظم آینده جهان و جنگ سرد رسانه‌ای جاری میان ابرقدرت‌ها.

بخش دوم، به روابط دیرینه ایران و چین می‌پردازد. در این بخش، مباحث زیر مورد

سید رسول موسوی

دیپلمات و معاون امور بین‌الملل دانشگاه آزاد



چین طی یک دهه اخیر با عبور از الگوی «رشد صرف اقتصادی» به مرحله‌ای از اعتمادبه‌نفس راهبردی رسیده که در آن، قدرت نرم و مدیریت هوشمندانه دیپلماسی جایگزین رویارویی مستقیم شده‌است. این کشور از راهبرد «قدرت زمینی» پیروی می‌کند و برخلاف آمریکا که قدرتی دریایی است، تمرکز خود را بر مسیرهای خشکی و پروژه «کمربند و راه» قرار داده است. این پروژه که پیوندهنده آسیا، خاورمیانه و اروپاست، در واقع بازتعریفی از نظم اقتصادی جهانی با محوریت چین بوده و این کشور باتکیه بر همکاری‌های سه‌جانبه با ایران و پاکستان و نقش آفرینی در افغانستان، در پی ایجاد پیوندهای ژئواکونومیک پایدار است؛ درحالی‌که آمریکا تلاش می‌کند افغانستان را در مسیر شمالی – جنوبی خود نگه دارد تا مانع اتصال شرق و غرب آسیا شود.

ابوالفضل عمویی

دستیار ویژهٔ رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در امور بین‌الملل



روابط ایران و چین «اصیل و ذاتی» است، نه صرفاً تاکتیکی برای مقابله با آمریکا یا غرب. متأسفانه دوطرف شناخت دقیقی از یکدیگر ندارند و روابطشان به سطحی راهبردی نرسیده که شامل انتقال فناوری، تولید مشترک و سرمایه‌گذاری است. برای رسیدن به سطح راهبردی در روابط، اقداماتی همچون «گسترش آموزش زبان چینی؛ طراحی پروژه‌های مشترک در چهارچوب کمربند و راه و تبدیل ایران به حلقه کلیدی کریدور شرق – غرب؛ توسعه همکاری در صنایع خودرو، انرژی و فناوری و تجارت با ارزش‌های محلی به‌جای دلار» ضرورت دارد. تغییر سیاست چین از «خیزش آرام» به نقش فعال‌تر جهانی، زمینه‌ساز توجه بیشتر چین به کشورهای مستقل، از جمله ایران است.

حامد وفاپی

استاد دانشگاه تهران و پژوهشگر مطالعات چین



وقتی رئیس‌جمهور چین ۱۰ سال پیش به ایران آمد و گفت روابط ما، مشارکت جامع راهبردی باشد، یعنی من نمی‌خواهم فقط از شما نفت یا کالا بخرم و ببرم، می‌خواهم همکاری بلندمدت با شما داشته باشم. متأسفانه روابط دو کشور همچنان در سطح دوره هخامنشیان است. در این تجارت، فقط به جای گاو و شتر، کانیتیر و هواپیما و کشتی جایگزین شده است. مهم‌ترین اقدامی که باید انجام شود، تعریف سهمی برای ایران در زنجیره ارزش چین (نه صرفاً خرید کالا) و ارتقای رابطه به سطح تولید و سرمایه‌گذاری مشترک است. این امر منجر به وابستگی متقابل سازنده و رابطه راهبردی برد – برد خواهد شد.

سعیده زرین

دکترای تاریخ روابط بین‌الملل از دانشگاه فودان شانگهای



چین، ایران را «شریک اقتصادی و راهبردی» می‌داند، نه ابزاری برای موازنه با غرب. تحریم‌های بین‌المللی و حرکت نوسانی ایران در سیاست خارجی مانع تعمیق روابط دو کشور شده است. همکاری تهران و پکن در چهارچوب «تعامل جنوب – جنوب» قابل‌تبیین است و ایران در طرح «کمربند و راه» و «بیضی استراتژیک انرژی جهانی»، جایگاهی ژئوپلیتیک و حیاتی دارد. روابط دو کشور عمدتاً اقتصادی، تجاری و مسوده‌محور است، نه اتلافی ایدئولوژیک یا ضدغربی. سیاست چین در قبال ایران بر «احتیاط راهبردی» و «دیپلماسی چندجانبه» استوار است که ایران را به یکی از ارکان عملیاتی چندقطبی‌سازی نظم جهانی تبدیل می‌کند.

ویژه‌نامهٔ تحلیلی «ققنوس توسعهٔ چین» در ۳۴۶ صفحه منتشر شد، در این مجلد می‌خواهیم ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اندیشه‌ای چین جدید را معرفی کنیم؛ برای تهیه این مجلد به سایت «پاتوق کتاب» مراجعه کنید

چین و راه چین

واکوی قرار گرفته‌اند: روابط ایران و چین در گذر هزاره‌ها، الزامات، واقعیت‌ها و فرصت‌های همگرایی دو کشور با عضویت ایران در سازمان شانگهای و بریکس، عملیاتی‌شدن سند همکاری جامع ۲۵ ساله دو کشور، همکاری‌های دوجانبه در عرصه انرژی، قواعد و اصول حاکم بر تعاملات تجاری با چینی‌ها، همکاری‌های مشترک در صنعت خودرو و افق‌های همکاری ایران و چین در حوزه مقابله با تروریسم.

۲- انتخاب کارشناسان و صاحب‌نظران: دومین اقدام، انتخاب از میان فعالان اقتصادی، پژوهشگران، چهره‌های دانشگاهی، دیپلمات‌ها، مؤلفان و محققانی بود که آشنایی مستقیم و بی‌واسطه از چین دارند. بر این اساس، معیار اصلی برای انجام گفت‌وگوهای تخصصی، دریافت یادداشت‌های علمی و گزارش‌های تحقیقی، این بود که متخصصان و چین‌شناسان دعوت‌شده، دست‌کم چندین سال تجربه زیسته در چین را در کارنامه داشته باشند یا آن که تمرکز و تلاشی چشمگیر در مسیر ترجمه، تألیف و پژوهش‌های علمی درباره چین داشته باشند. هر دوی این اقدامات از این جهت حائز اهمیت هستند که فرایند شناخت از چین، از نمایی نزدیک و توسط کسانی صورت پذیرد که این کشور را نه از خلال روایت دیگران که با مشاهده مستقیم، تجربه‌زندگی یا مطالعاتی عمیق شناخته‌اند.

در پایان، بر واضح است که ویژه‌نامه پیش رو نیز همچون هر پژوهش دیگری، بی‌عیب‌ونقص نیست و ما مشتاقانه پذیرای نقدهای منصفانه و آرای تخصصی محققان، چین‌شناسان و مخاطبان گرامی این ویژه‌نامه هستیم.

پی‌نوشت:

1. Destined for War: Can America and China Escape Thucydides's Trap?

عباس عبدی

فعال سیاسی و روزنامه‌نگار



ایران در برهه‌های مختلف ارتباط با چین را تابعی از ارتباط با غرب تعریف کرده، به این معنی که اگر زمانی روابط ایران با غرب بهبود پیدا می‌کرده، ارتباط ایران با چین منبمف می‌شده و آن زمانی که دشمنی غرب با ایران برجسته شده، ایران به سمت تقویت روابط با چین رفته است. چین متحد استراتژیک ما نیست؛ اما باید به سمت تقویت روابط با چین حرکت کرد. ضروری است به سمت تقویت روابط اقتصادی با همه کشورها برویم و در این مسیر اولویت اول با کشور چین است؛ اما نباید این روابط را در تقابل با غرب و اروپا تعریف کرد.

مهدی صفری

معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه در دولت سیزدهم



ایران و چین می‌توانند روابط راهبردی در حوزه‌های امنیت انرژی، ترانزیت، تجارت و مبارزه با تروریسم ایجاد کنند. ایران با موقعیت جغرافیایی خود می‌تواند امنیت انتقال انرژی چین از خلیج فارس و کریدورهای زمینی «کمربند و راه» را تضمین کند. همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های تجاری (صادرات کشاورزی)، ترانزیت ریلی، امور مالی و انرژی همکاری‌هایی در جریان است، اما به دلیل حساسیت‌ها اغلب علنی نمی‌شوند. پروژه‌های فاینانس‌شده (مانند نیروگاه و سد) به‌رغم توافق، به دلیل تغییر سلیقه مدیریتی یا عدم پیگیری، معطل می‌مانند. روابط راهبردی نیازمند برنامه بلندمدت ملی، ثبات در تصمیم‌گیری و پیگیری مستمر توسط یک مسئول متمرکز و قدرتمند در ایران است

زکیه یزدان‌شناس

عضو هیئت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران



چین تنها دومین اقتصاد جهان نیست، بلکه دومین قدرت جهانی است و ایالات متحده در زمینه‌های مختلف چین را رقیب جدی خود دانسته و نسبت به مدرنیزاسیون نظامی و برنامه هسته‌ای آن نیز نگرانی دارد. شناخت عمیق و داشتن چشم‌انداز بلندمدت از چین در ایران چندان جدی گرفته نشده است. مشکل اصلی ایران درخصوص چین، شناخت نادرست و انتظارات غیرواقعی است که ریشه در زاویه دیپلمات‌های ایرانی و محدودرات ساختاری (تحریم‌ها، تهدیدات امنیتی) دارد. این امر مانع شکل‌گیری یک رابطه راهبردی عمیق و بلندمدت شده است. چین بر اصلاح تدریجی نظم بین‌الملل از درون و صبر راهبردی متمرکز بوده و ایران به دنبال تغییر بنیادین این نظم است.

محمدرضا الهامی

عضو هیئت‌مدیره انجمن دوستی ایران و چین



رسانه‌های غربی، به‌ویژه آمریکایی‌ها، با جنگ سرد رسانه‌ای تلاش می‌کنند پیشرفت‌های اقتصادی و فرهنگی چین را نادیده‌بگیرند. همکاری ایران و چین تحت تأثیر تبلیغات منفی و سوءبرداشت‌ها قرار گرفته است. شناخت ایرانیان از چین مبتنی بر منابع غربی بوده و در چین نیز شناخت‌ها از ایران تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌های غربی قرار داشته و سوءبرداشت‌های زیادی حتی در میان نخبگان این کشور ایجاد کرده است. کم‌کاری رسانه‌ای در دو کشور موضوعی است که باید درباره آن چاره‌اندیشی شود. تقویت دیپلماسی عمومی و فرهنگی، افزایش تبادلات مستقیم مردمی (گردشگری، دانشجویی)، تربیت کارشناسان متخصص و فعال‌سازی رسانه‌های دوطرف برای شکستن انحصار روایت‌سازی غرب، از مواردی است که باید برای آن برنامه‌ریزی کرد.